

## هفت سبزه ، نه هفت سبزه

نقل باختصار از کتاب المحاسن والاضداد  
تالیف عمرو بن بحر الجاحظ (ص ۲۳۴ - ۲۳۵)

یکی از سنت‌های دیرین و باستانی ایرانیان که دوسر آغاز بهار هر سال، در جشن نوروز، آنرا برپای میداشته‌اند کاشتن (هفت‌سبزه) بوده است. همه خانواده‌های ایرانی بدین سنت پای‌بند بوده و شادمانی و جشن روز نوروز را بدان سبزه‌ها آرایش داده و سال پربرکت و نعمتی را تغال میزده‌اند. چون در سرزمین پهناور ایران‌شهر، شاهنشاه مظهر ملت و یگانه نمودار کشور باعظمت پارس است، این سنت، یعنی کاشتن هفت‌سبزه با تشریفات بیشتر و شرایطی مفصل‌تر و باشکوه و جلال بی‌مانند، در دربار و در پیشگاه شاهنشاه انجام میگردیده است.

سنت کاشتن انواع دانه‌ها که بشر بدان تغذیه میکند و قوت غالب ایرانیان بوده و هست، نشانه توجه مردم ایران بزندگانی و آبادانی و بهتر زیستن است و در اوستا بسیار ستوده و سفارش شده است.

دانه‌هایی که میکاشته‌اند عبارت بود از گندم، جو، ذرت، عدس، ارزن، لوبیا، ماش و غیره و گاهی دانه‌هایی که کاشته میشد تا یازده و بیشتر یا کمتر میرسیده است. کلمه (هفت) در این مورد نیز خود یکی از اصطلاحات سنتی است و بمعنی مجموعه اعداد و شماره‌ایست نزدیک به هفت یا بیشتر یا کمتر. مانند کلمه چهل که آن نیز اصطلاحاً بمعنی شماره‌ایست در این حدود و هرگاه میگویند چهل ستون، مراد تالاری است که ستونهای آن بسیار است، در این حدود. ازین روی سبزه‌هایی که کاشته میشد چنانکه گفتیم گاهی تا یازده و یا بیشتر میرسیده است.

در دربار شاهنشاهان ساسانی، چند روز پیش از فرارسیدن فروردین، ستون‌هایی استوانه مانند بابلندی یک‌گز (تقریباً) برپای میداشتند و بر فراز هر یک آنها، در میان خاک، یک‌گونه از دانه‌ها را می‌کاشته‌اند و آنها را طوری میکاشتند که تا روز نخستین فروردین یعنی روز نوروز و در مراسم جشن همه‌سبز و خرم باشد. آنگاه در آن مجلس مراسم باشکوه روز جشن نوروز را برپای میداشته‌اند و این سبزه‌ها زینت بخش و شکوه‌دهنده آن مجلس و آن جشن بوده است و نیز نشانه آبادانی کشور و تغال به فراوانی نعمت و افزونی روزی در آن سال.

متأسفانه بمرور زمان بویژه در چند قرن اخیر بکلی سنتهای دیرینه کهن و باستانی ایران دستخوش فراموشی و یا دگرگونی گردیده است. این سنت زیبا و باشکوه کهن هفت سبزه خرم و شادی آفرین نیز دستخوش دگرگونی گردید و بر دست تبهکار روزگار نابکار وارونه شده است و هفت سین یعنی هفت چیزیکه در اول نام آنها حرف سین باشد بجای هفت سبزه متداول گردیده است؟ در حالیکه (هفت سین) همان هفت سبزی است و تفسیر خنده آور هفت سبزه به هفت چیز که اول آنها سین باشد موجب گردیده که بجای منظره باشکوه و زیبا و خرم هفت سبزه که از دانه های خوراکی روئیده و نشانه زندگی و آبادانی و امنیت و دادگری شاهنشاه و رفاه حال مردم بوده است سیر و سرکه و سماق جایگزین گردد و مردم با شادمانی و خوشی، روز نوروز و سال نورا، بابوی عنبرین سیر و سرکه و سماق ترش رنگ پریده پیشباز و آغاز نمایند! باری معمول چنان بوده است که محصول این سبزه ها یعنی دانه هایی که از آنها بیار می آمده است، در روز مهر از فروردین (روز ششم فروردین) درویده و از آرد آنها گرده نانهای پخته و زینت بخش سفره جشن میکردند و می خورده اند و بخشی از دانه ها رانیز در مجالس شادمانی می افشانده اند.

اکنون گزارش یکی از مراسم جشنهای روز نوروز که در حضور شاهنشاه ساسانی برگزار گردیده است بنقل از **جاحظ** نگاشته میشود: مراسم روزهای «مهرگان» و «نوروز» چون شاهنشاه جامه نو و زیبا می پوشید و تن می آراست، در روز نوروز، در ایوان می نشست. مردی که نامی زیبا داشت و او را آزموده بودند که مردی بختیار است با چهره گشاده، زبان آور، به نزد شاهنشاه درآمدی و در پیش تخت شاهنشاه ایستاده و میگفت: شهریارا! مرا اجازت ده تا باریام. شاهنشاه از او می پرسید: تو کیستی؟ از کجا آمده ای؟ بکجا خواهی رفت؟ کی تو را فرستاده؟ چه کس همراه تو میباشد؟ با خود چه آورده ای؟

آن مرد در پاسخ شاهنشاه چنین میگفت:

من ازدوسوی راست آمده ام. بسوی دوخوشبختی میروم. پیروزی مرا فرستاده است. نام من خجسته است آمده ام و سال نو را با خود آورده ام. مژده تندرستی و آبادانی را برای شاهنشاه و کشور آورده ام. شاهنشاه باو اجازه بار میدهد و به پیش تخت شاهنشاه درآمد و می نشیند. آنگاه خوانی سیمین در پیش او می نهند. در پیرامن آن خوان چندین گرده نان قرار دارد که هر کدام از یک گونه از دانه های خوراکی پخته شده است. نانها از گندم، جو، ارزن، ذرت و نخود و ... است. از این دانه ها نیز مقداری در سینی ریخته و افشانده اند و نیز از جمله چیزهایی که در آن خوان نهاده اند هفت شاخه تر از درختی است که بآنها و بنام آنها تبرک می جویند مانند درخت بید، زیتون، انار و به. این شاخه ها را بعضی بر یک بند و برخی بر دو بند یاسه بند بریده اند و بر هر شاخه نام یکی از شهرستانهای کشور رانوشته اند و نیز بر آن شاخه ها این کلمات نوشته شده است: افزود، افزایش، افزون، پروار، فراخی، فراهی و نیز هفت کاسه سیمین سپید پر از

درمهای سپید از سکه سال نو و یک دینار زر نیز ضرب همان سال، در خوان نهاده است و بر فراز خوان یک دسته اسپند تازه قرار دارد.

آنگاه خجسته (آمرد بختیار) همه این چیزها را گرفته و شاهنشاه را درود گفته، جاویدشاه، پابنده شاه گویان بیرون می‌رود. نخستین چیزی را که در روز نوروز به پیشگاه شاهنشاه می‌آورند طبقی زرین یا سیمین است که مقداری شکر سفید در آن ریخته‌اند با نارگیل هندی تازه و پوست‌کنده و سفید. و جامهای زرین و سیمین پر از انواع شیرینیها و شاهنشاه نخستین چیز را که می‌خورد شیر تازه است که در آن خرماي تازه ریخته‌اند. آنگاه شاهنشاه مقداری از آن شیر را با نارگیل بکار برده و حاضران را نیز تعارف میکند تا بخورند. سپس دیگر شیرینی‌ها را پیش می‌آورند.

خوردن شیر و پنیر تازه در روز نوروز سنتی است که شاهنشاهان پارس و همگی ایرانیان همواره بدان تفال و تبرک می‌جسته‌اند.

بیست و پنج روز پیش از نوروز، در حیاط کاخ شاهنشاه، دوازده استوانه از خشت بنا میکنند و بر فراز هرستون دانه‌های گندم و جو و ذرت و ... کشت میشود و در روز ششم نوروز با خواندن ترانه‌ها و سرودن آوازها، بارود و چنگ، این کشته‌ها را درو میکنند و دانه‌های آنها را در مجلس شادمانی دربار می‌افشانند.

## فواصی ابر در بهار

علم دولت نوروز بصحرا برخاست  
 زحمت لشکر سرما، ز سرما برخاست  
 بروسان چمن بست صبا هر گه‌ری  
 که بفواصی ابر، از دل دریا برخاست  
 بوی آلودگی از خرقة صوفی آمد  
 سوز دیوانگی از سینه دانا برخاست  
 عارف امروز بلذوقی برشاهد بنشست  
 که دل زاهد از اندیشه فردا برخاست  
 هرکسی را هوس روی گلی در سر شد  
 نه که این ولوله از بلبل تنها برخاست

سعدی قرن هفتم